



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

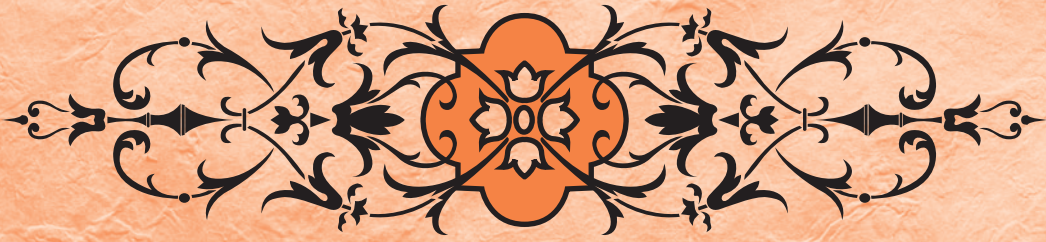




# كفاية الطّب

كتاب دوم

ابوالفضل حبيش التفليسي



مقدمه، تصحيح و تعليقات : زهرا پارساپور



انتشارات سفیر اردبیل



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۳۹۹



انتشارات سفیر اردهال



پژوهشگاه علوم انسانی  
و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۸۳۱۷۱۹۲

## کفایة الطب (کتاب دوم)

مؤلف: ابوالفضل حبیب‌التفلیسی

مقدمه، تصحیح و تعلیقات: دکتر زهرا پارساپور

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی

مسئول فنی: عرفان بهار دوست

چاپ اول: ۱۳۹۰، چاپ دوم: ۱۳۹۹

حروف چین و صفحه‌آرا: شهرام محمدی، شهره خوری، منصور عیوضی اینانلو

طرح جلد: مجید اکبری کلی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سفیر اردهال

قیمت دوره: ۴۸۰،۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: تفلیسی، حبیب‌بن ابراهیم، - ۶۲۹ق.

عنوان و نام پدیدآور: کفایة الطب / ابوالفضل حبیب‌التفلیسی؛ مقدمه، تصحیح و تعلیقات زهرا پارساپور.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۲ ج.؛ نمونه: ۲۱/۵×۳۰ س.م.

فروست: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ ۲۲-۹۰.

شابک: دوره: ۴-۴۸۹-۴۲۶-۹۶۴-۹۷۸؛ ج. ۱: ۰-۴۸۷-۴۲۶-۹۶۴-۹۷۸؛ ج. ۲: ۲-۴۸۸-۴۲۶-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

موضوع: پزشکی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

موضوع: پزشکی سنتی

شناسه افزوده: پارساپور، زهرا، ۱۳۴۴ - مصحح، مقدمه‌نویس

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۷ک۷/۳/۱۲۸R

رده بندی دیویی: ۶۱۰/۹۱۷۶۷۱

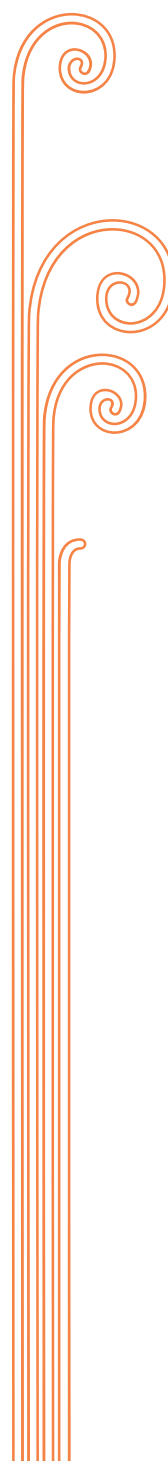
شماره کتابشناسی ملی: ۹۲۷۹۲۲۲

## فهرست کتاب دوم

۲۷۱	در غذاها و داروهای مفرد
۳۶۱	ابدال
۳۶۷	در غذاها و داروهای مرکب
۴۹۱	نمایه

### فهرست‌ها

۵۷۵	کسان، جای‌ها و کتاب‌ها
۵۷۵	ابزارهای پزشکی
۵۷۶	حیوانات
۵۷۷	بیماری‌ها
۵۸۱	داروها و غذاها
۶۰۵	اعضای بدن
۶۰۶	کلمات و ترکیبات اصطلاحات
۶۱۱	فهرست توضیحی اشخاص
۶۱۷	فهرست توضیحی جای‌ها
۶۱۹	فهرست توضیحی ابزارهای پزشکی
۶۲۵	منابع







در غذاها و داروهای مفرد





بیماری <sup>۱</sup>	به تازی	حرف الف از کتاب دوم در غذاها و داروهای مفرد شمارش <sup>۲</sup> [«مب»] <sup>۳</sup>
ابهل	حب العرصة	محمد زکریا گوید که ابهل بار سرو کوهی باشد و او گرم و خشکست به سیم <sup>۴</sup> درجه و اگر کوفته وی به انگبین بخورد قوت <sup>۵</sup> جماع افزایشد و آمیزشهای سودایی از تن <sup>۶</sup> فرود آرد و پشت را قوی کند و روغنش بادهای سرد را <sup>۷</sup> نیک باشد.
اب و صنم	ببرگون	فولس گوید که او سرد [ و خشکست ] <sup>۸</sup> به سیم درجت اگر کوفته وی را به سرکه <sup>۹</sup> برشند و بر پیشانی طلی کند درد سر را که از گرمی بود سود دارد و اگر صبر کوفته با وی بیامیزند و بر بناگوش مانند شقیقه گرم را زایل گرداند و آن به که ضماد کنند. <sup>۱۰</sup>
ابنوس	آرنبوع	یوحنا گوید که او به طبع گرمست و خشک <sup>۱۱</sup> و به دوم درجت اگر یک درم سنگ وی را با شکر بیامیزد و بکار دارد ریش روده را زایل کند و سنگ مثانه را پاره کند و اگر سنگ سرمه را <sup>۱۲</sup> بساید و با وی <sup>۱۳</sup> در چشم کشد سپیدی ببرد.
آربا	سفرجل	عیسی گوید که او به طبع سرد و خشک به درجه <sup>۱۴</sup> نخستین، معده و جگر را قوی کند و دل را هم سود دارد و چون از وی به ناشتا بکار دارد شکم را ببندد و تشنگی را بنشانند و آبتاختن را براند و گرده و مثانه را قوت دهد و خداوند گرمی <sup>۱۵</sup> را نیک سود [ دارد ] .
ابگینه	زجاج	اسحق گوید که او گرمست به درجه نخستین خشکست به دوم درجه <sup>۱۶</sup> اگر وی را خرد بسایند <sup>۱۷</sup> و یک درم سنگ [ از وی با ] <sup>۱۸</sup> سیکی خوش بوی بکار برد سنگ گرده و مثانه به زیر <sup>۱۹</sup> راند و آبتاختن براند خاصه که اول او را بسوزاند و آنگه بکار دارد.
ایفون	افیون	ثابت قره گوید افیون شیر کوکنار مصری بود و او سرد و خشکست به درجه چهارم بیماریهای تیز صفرایی سود دارد اگر بخورد. و ضماد کردنش <sup>۲۰</sup> او را با شیر دختران بیامیزد و بر آماسهای گرم طلی کند نیک بود و دردش بنشانند. والسلام.
آبکامه	معی	فولس <sup>۲۱</sup> گوید که او گرم و خشکست به درجه دوم <sup>۲۲</sup> بلغم را از معده پاک کند و کولنج <sup>۲۳</sup> سود دارد و رودهها را از تریهای گندیده پاک کند و آرزوی طعام آرد چون از وی <sup>۲۴</sup> در چشم چکانند [ درشتی ] <sup>۲۵</sup> ببرد از آبله و چشم را جلی دهد. <sup>۲۶</sup>
آربا	السمیه	بقراط گوید آبهای خوش سردی کند و تریهای اصلی نگاه دارد و طعام را نرم <sup>۲۷</sup> کند و گرمیهای معده را بشکند و مزاج گرم و خشک را موافق باشد و بهترین آبی آنست که به وزن سبکتر باشد و به طعم خوش و به حلاوت بود و عذب باشد. <sup>۲۸</sup>

<p>۲۳. اگر... کردنش: خوردنش و ضمادش و اگر EFB          ۲۴. فولس: روفس FEB          ۲۵. درجه دوم: دوم درجت EB          ۲۶. کولنج: قولنج EB          ۲۷. وی FEB: + به درجه دوم A          ۲۸. درشتی FEB: A -          ۲۹. و چشم را... دهد: + و به چشم کند A و طعام هضم کند اما تشنگی و گر و خارش و بواسیر آرد و چربی و شیرینی و گرمابه اصلاح کند B و طعام هضم کند FE          ۳۰. نرم: + و تنک FEB          ۳۱. و به طعم... باشد: و گرمی و سردی زود پذیرد B و به طعم خوش بود FE</p>	<p>۱۰. سرکه: انگبین B          ۱۱. و آن... کنند: FEB -          ۱۲. خشک: خشکست B          ۱۳. سنگ سرمه را: چون سرمه FEB          ۱۴. با وی: FEB -          ۱۵. درجه: درجت FEB          ۱۶. گرمی: گرم مزاج B          ۱۷. زجاج FEB: زجاجه A          ۱۸. گرمست... دوم درجه: گرم و خشک است به درجت نخستین B          ۱۹. بسایند: بکوبند B          ۲۰. از وی با FEB: A -          ۲۱. به زیر FEB: برابر A          ۲۲. اییون: اییون FEB</p>	<p>۱. (در A گاه ترتیب اسامی داروها بر حسب حروف الفبا جابه‌جا شده بود. جهت استفاده بهتر مراجعه کنندگان از این فرهنگ، ترتیب الفبایی بر اساس حرف اول نام دارو رعایت گردید)          ۲. از کتاب... شمارش: B -          ۳. (A محو است، با توجه به تعداد داروها که چهل و دو عدد بود اضافه شد.)          ۴. العرصة: F الفار (باقی نسخ محو است.)          ۵. سیم: سوم B          ۶. قوت: شهوت FEB          ۷. از تن: را B          ۸. سرد را + چون در مانند B          ۹. و خشکست FEB: است A</p>
---	---	--

جالیئوس گوید که او گرم و خشکست به درجه دوم <sup>۱</sup> . لقوه و تقرس را و درد بندها را سود دارد و اگر کوفته وی را به روغن گل برشند و بر مقعد طلی کنند ناسور را ببرد و چون با سرکه بمالد <sup>۲</sup> و بر سر مالد داء الثعلب و داء الحیه را سود دارد.	آزنیون	آزنیون
ماسر جویه گوید که او نوعی بود از گیاهها او را از یمین آرند. بوی دهان خوش کند و مغز را نیرو دهد و بن دندانها را سخت کند و درد دهن را سود دارد و شکم ببندد و ضمادش آماسهای گرم را نیک بود <sup>۳</sup> و درد شقیقه را سود دارد چون طلی کند. <sup>۴</sup>	ارماس	ارماس
بقراط گوید که او سردست و خشکست اگر با روغن <sup>۵</sup> زیت بر سنگی بساید و آنکه سوده <sup>۶</sup> را بر آماس مقعد بمالد اگر آماس از گرمی باشد سود دارد و اگر پاره ای تنک <sup>۷</sup> بر پشت بندد شهوت و جماع <sup>۸</sup> ببرد و احتلام نیک باشد.	ارماس	ارماس
ارجیجانس <sup>۹</sup> گوید که او سرد و خشکست. شکم سخت کند و مر خداوندان استسقا را و اندامهای سست شده را سود دارد و چون با چربی <sup>۱۰</sup> خورند و گرمابه بکار دارند خشکی نکند و اگر بی چربی <sup>۱۱</sup> خورد خشکی کند و زیان دارد.	ارماس	ارماس
محمد زکریا گوید که گرمست به درجه نخستین خشکست به دوم درجه <sup>۱۲</sup> ، بلغم و سودا را از اندامها فرود آرد و مغز را از آمیزشهای بلغمی پاک کند و تن درستی بر مردم نگاه دارد و جگر <sup>۱۳</sup> را نیرو دهد و درد پیها را و احشا را زایل گرداند. <sup>۱۴</sup>	اسطوخودوس	اسطوخودوس
اسحق گوید که اسپندان خوش و ناخوش هر دو گرم و خشکند. شهوت و جماع را قوت دهد و بلغم و تریها را از تن فرود آرد و بگدازد. <sup>۱۵</sup> اما اسپندان گنده گرمتر باشد و اگر برگش <sup>۱۶</sup> را بکوبد و بر عرق النساء نهد سخت [ نیک ] <sup>۱۷</sup> باشد. <A۲۷۳>	اسپندان	اسپندان
حنین گوید که او سردست به دوم درجه و نیز خشکست. <sup>۱۸</sup> سودا و بلغم لزج را که اندر تن بود سود دارد. <sup>۱۹</sup> معده را از اخلاط بد <sup>۲۰</sup> پاک کند و فالج و سرسام ببرد و سستی اندامها را سود دارد و دل را نیرو دهد و اندامها را قوی کند و تن درست دارد.	املا	املا
یوحنا گوید که او سرد و خشکست به درجه نخستین، معده را سود دارد و صفرا را بنشانند و قی را باز دارد و نیز خداوند گرمی را منفعت کند و کسی که سرد مزاج بود او را زیان دارد. علاجش آنست که زنجبیل پرورده خورد تا مضرش باز دارد.	املا	املا

۱. درجه دوم: دوم درجت E B	۹. و جماع: جماع B	۱۶. و احشا... گرداند: زایل کند و احشا را سود دارد و قوی کند B
۲. بمالد: بساید B	۱۰. (این عنوان در E وجود نداشت در B در آخرین ردیف حرف «ب»)	۱۷. بگدازد E B: بگنارد A
۳. نیک بود و: + و اگر با گلاب بسایند و بر سر طلی کنند B	۱۱. ارجیجانس: ماسر جویه F	۱۸. برگش: بلگش B
۴. چون... کند: - B	۱۲. چربی: + بسیار B	۱۹. نیک B: - A
۵. ارزیز: سرب B	۱۳. بی چربی: بی چربش B	۲۰. خشکست: لغتی خشکی دارد B
۶. با روغن: با سیکی و روغن E F B	۱۴. گرمست... دوم درجه: گرم و خشکست به درجت نخستین B	۲۱. لزج... دارد: را از تن فرود آرد B
۷. آنکه سوده را: - B	۱۵. جگر: دل و جگر B	۲۲. اخلاط بد: آمیزشهای بد E B

ماسر جوید که او سرد و تر <sup>۱</sup> است و شکم نرم کند و تشنگی بنشانند و اگر خشک <sup>۲</sup> را در آب نهد و از آن آب بخورد گرمی و صفرا بنشانند و چون بسیار خورد معده را سست کند علاجش آنست که گلنگین و مصطکی بکار دارد. <sup>۳</sup>	ا ب ا ص	ا ب ا ص
مسیح گوید که او سرد و خشکست به درجه نخستین. شکم ببندد و تن را فربه کند و صفرا بنشانند و پشت را قوی کند و اگر بیست درمسنگ از آتش به آب بادیان بیامیزد و بخورد علت داء الفیل را سود دارد و گرم مزاج را سود دارد.	ا ب ا ص	ا ب ا ص
جالینوس گوید که او گرم و خشکست به درجه نخستین اگر با <sup>۴</sup> سرکه او را بپزند و با سرطلی کند درد سر را و درد شقیقه را سود دارد و اگر وی را خرد بکوبد و هر روزی دو درمسنگ از وی با پنچ درم انگبین بکار دارد تن را از خلیطهای <sup>۵</sup> سرد پاک کند.	ا ب ا ص	ا ب ا ص
عیسی گوید که او سردست به درجه اول خشکست به درجه دوم اگر با سپیده خایه او را بسایند و بر سوختگی آتش بمالند نیک بود و ناخن خوار را سود دارد چون بمالند و اگر یک درمسنگ بخورد شکم را ببندد و کندن شکم را سود دارد و نافع باشد.	ا ب ا ص	ا ب ا ص
اسحق گوید که سردست به درجه اول <sup>۶</sup> خشکست به درجه دوم <sup>۷</sup> ریشهای تن را خشک کند و چون کوفته وی را بر ریشها پراکند و اگر با توتیا <sup>۸</sup> در چشم کشد سپیدی چشم <sup>۹</sup> را ببرد و تاریکی وی را سود دارد و دیده را جلی دهد و تری نماید. <sup>۱۰</sup>	ا ب ا ص	ا ب ا ص
بقراط گوید که او گرم و خشکست به سیم <sup>۱۱</sup> درجت سودا و بلغم سطر <sup>۱۲</sup> را از همه اندامها فرود آورد و فالج و باد <sup>۱۳</sup> تقوه و صرع را سود دارد و بیماریها که از سردی باشد زایل گرداند و سستی اندامها را ببرد و بستگیها را بگشاید و مالیخولیا <sup>۱۴</sup> را دفع کند.	ا ب ا ص	ا ب ا ص
مسیح گوید که او گرمست به درجه اول <sup>۱۵</sup> خشکست به درجه دوم <sup>۱۶</sup> صفرا از اندامها فرود آورد و معده را از خلیطهای <sup>۱۷</sup> فاسد پاک کند و یرقان را سود دارد و بستگی جگر را بگشاید و تبهای گرم را سود دارد و شهوت جماع <sup>۱۸</sup> افزایش دهد و گرده را گرم کند.	ا ب ا ص	ا ب ا ص
مدائنی گوید که او به طبع گرم و خشکست به درجه زکام و نزله را و سرفه را سود دارد و گلو را صافی کند و آبتاختن را براند تا درد سر انگیزد و علاج وی آنست که تخم بادیان یا انیسون را به انگبین <sup>۱۹</sup> پزند و بکار دارد تا مضرت دفع کند.	ا ب ا ص	ا ب ا ص
یوحنا گوید که او گرم و خشکست به سیم درجه معده را قوی کند. اسحق گوید که بیخ انگدان خراسانی بود اگرچه سخت کهن بود از گرمی خالی نباشد. آرزوی <sup>۲۰</sup> طعام آرد و معده را سبک دارد و بادها را از معده و روده تحلیل کند و کولنج <sup>۲۱</sup> را نیک بود.	ا ب ا ص	ا ب ا ص

۱۷. خلیطهای: خطلهای E B

۱۸. جماع: و جماع B

۱۹. انگبین: + خام E B

۲۰. اشترخار: EF: اشترخار A اشترغاز B

۲۱. اشترغاز: اشترغاز B

۲۲. آرزوی: اشتهای B

۲۳. کولنج: جولنج B

۹. توتیا: + خرد بسایند B

۱۰. سپیدی چشم: سپیدی کهن B

۱۱. تری نماید: - B F E

۱۲. سیم: سوم B

۱۳. سطر: سطر B

۱۴. باد: - B

۱۵. مالیخولیا: سودا و مالیخولیا E B

۱۶. درجه اول: درجت نخستین E B

۱. تر FEB: خشک A

۲. خشک: + وی B

۳. دارد: + تا معده قوی گردد B

۴. صفرا: تیزی صفرا E B

۵. با: به B

۶. خلیطهای: آمیزهای B

۷. اول: نخستین B

۸. درجه دوم: دوم درجت B

ابن ماسویه گوید که گرم و خشکست به سیم درجت، بستگی‌های جگر را بگشاید و روده را از آمیزش بلغمی <sup>۱</sup> پاک کند و ریش‌های وی را که از بلغم بود سود دارد و آماس سپرز را که از سردی بود سود دارد و زهدان را از خلط‌های بد پاک کند.	اشنان <sup>۱</sup>	اشنان <sup>۱</sup>
محمد زکریا گوید او سرد و ترست به دوم درجه، بر و سینه را خنک کند. اگر سه درم از وی بریان کرده با روغن گل بسرشند و بکار دارند شکم [ رفتن ] <sup>۲</sup> را سود دارد و ریشی روده را درست کند و زحیر را نیک بود و لعابش گرمی جگر را نیک بود.	اسپیوش <sup>۲</sup>	بزر قطونا
جالینوس گوید که او گرم و خشکست به سیم درجه. <sup>۳</sup> بلغم‌های سطر را از معده پاک کند و شهوت جماع انگیزد و بوی دهان خوش کند و تن را پرورش دهد. اندام‌ها را قوی کند و درد بندها و تقرس را نیک بود و تری‌های فاسد از تن پاک کند. <sup>۴</sup>	اسارون <sup>۳</sup>	نار دین البری
ماسرجویه گوید که او معتدل است و نرمی دارد <sup>۵</sup> بر و سینه را نیک بود <sup>۶</sup> و شکم را نرم کند و تب و سرفه را سود دارد و اندروی بادانگیزی نبود چنان که در دیگر ترها <sup>۷</sup> و اسحق گوید که او به طبع سرد و ترست. صفاوی را نیک باشد و تشنگی را بنشانند. <A۲۷۴>	اسفناخ <sup>۴</sup>	اسفناخ
یوحنا گوید که او گرم و خشکست به دوم درجه، اگر وی را خرد بکوبند و با کشکاب بکار دارند بر و سینه را از خلط‌های سطر پاک کند و اگر تخمش بکار دارد <sup>۸</sup> بهتر باشد سرفه کهن را و ذات‌الجنب را زایل کند و [ ضماش ] <sup>۹</sup> سرطان را نیک بود. <sup>۱۰</sup>	انجبر <sup>۵</sup>	انجبر <sup>۵</sup>
عیسی گوید <sup>۱۱</sup> که گرم و خشکست به دوم درجه معده را قوی کند و شهوت <sup>۱۲</sup> طعام آرد و بستگی‌های جگر را بگشاید و آماس سپرز را زایل کند و آب پشت را افزایش دهد و اندام‌ها را قوی کند و آبتاختن را براند و سردی معده را ببرد.	انیسون <sup>۶</sup>	بزر الرزایانج <sup>۶</sup>
ارجیحانس گوید که او گرم و خشکست. اگر با یاره فیکرا بکار دارد صفا را از روده پاک کند و داء‌الثعلب و داء‌الحیه را سود دارد و اگر وی را خرد بساید و در چشم کشد رمد را نیک بود و چرک آمدن از چشم باز دارد و چشم را جلی دهد.	انزرون <sup>۷</sup>	عنزرون
فولس گوید که او گرم و خشکست به سیم درجه، طعام‌های سطر را لطیف کند و آروغ بسیار آرد. ماسرجویه گوید انگدان از دو گونه بود یکی سپید و خوش بوی <sup>۱۳</sup> او را با طعام‌ها بکار دارند آبتاختن را براند و حیض را بگشاید و دیگر سیاه <sup>۱۴</sup> بود.	انگدان <sup>۸</sup>	انجبدان
انگژد صمغ انگدان بود. <sup>۱۵</sup> او گرم و خشکست به درجه سیم. سستی پی‌ها را که از بلغم بود سود دارد و تب چهارم را زایل کند و بادهای سرد را بگشاید و تحلیل کند و اگر کسی کافور خورده باشد او را بکار دارد شر کافور بشکند.	انگژد <sup>۹</sup>	حلیتین

۱۴. گوید: + انیسون تخم بادبان رومی بود B  
 ۱۵. شهوت: + و جماع B  
 ۱۶. خوش بوی: خش B  
 ۱۷. سیاه: + و گنده B  
 ۱۸. انگژد: (در حاشیه A: انگژد که کاسنی گویند)  
 ۱۹. بود: + و بنبروتر از وی باشد E B

۸. نیک بود E B: نرم کند A  
 ۹. اندروی... ترها: در وی بادانگیز بود B  
 ۱۰. بکار دارد: نگاه دارند B  
 ۱۱. ضماش E B: - A  
 ۱۲. بود: + چون بر مالد B  
 ۱۳. بزر الرزایانج: + رومی B (حاشیه A آمده است: تخم رازیانه رومی)  
 ۱۴. دیگر سیاه: سیاه: + و گنده B

۱. اشنان: + جوعان FE  
 ۲. از آمیزش بلغمی: - B  
 ۳. رفتن E B: - A  
 ۴. سیم درجه: سوم درجت B  
 ۵. تری‌های... کند: - B  
 ۶. اسفناخ: اسفناخ B  
 ۷. نرمی دارد: تری می‌دارد B

انگور و بادام	عنب الثعلب	ماسر جویه گوید که او سرد و خشکست به دوم درجه. درد جگر را که از سردی بود سود دارد و بستگی هایش بگشاید چون از آتش بیست درم بکار برند خاصه که به آب کاسنی و بادیان به غایت نیک باشد و با سکنگبین آماس معده را سود دارد.
انگور	عنب	اسحق گوید که آنچه شیرین بود گرم و نرمست و آنچه ترش بود سرد و گوارنده تر باشد و شیرین تشنگی <sup>۲</sup> کند و خداوندان گرمی را تب آرد علاج وی آنست که از پس وی سکنگبین با انار ترش خورد و پوست او در شکم باد انگیزد خاصه که بی نان خوردند.
زنجبیل	زین	بقراط گوید که او گرم و نرم و بادانگیز است. شکم نرم کند و معده را بد بود و خداوندان گرمی را تب آرد و علاج او به چیزهای ترش بود که به کار دارند. ماسر جویه گوید درد جگر را و درد سینه را سود دارد و سرفه را نیک بود. <sup>۳</sup>
انار	مان	مسیح گوید انار شیرین گرم و تر <sup>۴</sup> بود. سینه را نرمی <sup>۵</sup> کند و مغز را نیرو دهد و آب پشت افزاید. انار ترش سرد و خشکست، قولنج آرد اما صفر را بنشانند و تپش دل و جگر و معده را زایل کند و ترش و شیرین معتدل بود.
انگبین	عسل	جالینوس گوید که او گرم و خشکست به درجه دوم <sup>۶</sup> معده را قوی کند و تن درستی نگاه دارد و فالج و لقوه و سستی اندام را سود دارد و شهوت جماع را قوی کند و طبیعت را نرم دارد و بیماری های سرد را سود دارد و گرده را منفعت کند. <sup>۷</sup>
آهن	حدید	ماسر جویه گوید که او سرد و خشکست. اگر وی را خرد بسایند و سوده و را <sup>۸</sup> به سرکه تیز بپزند و آن سرکه را در گوش چکانند ریم آمدن از گوش باز دارد و زنگارش ناسور <sup>۹</sup> را خشک گرداند. چون خردش بکوبند و بر او پراکنند نیک باشد.
آهک	نوره	عیسی گوید که او گرم و خشکست به چهارم درجه. خون آمدن از اندامها باز دارد و گوشت که زیادت رسته باشد کم کند و چون وی را بشویند و بر ریشهای کهن مانند منفعت دارد و مرهمش سوختگی آتش را سخت نیک باشد.
اسپند <sup>۱۰</sup>	نیلوفر هندی	ابوجریح گوید نوعی باشد از نیلوفر هندی او به طبع گرم و خشکست و بیخش چون ابروصنم سرد و خشک، گرمی ها را سود دارد. اسحق گوید اگر تخم کوفته اش به انگبین به ناشتا بخورد آب از دهن باز دارد و گند دهن را عظیم سود دارد. <sup>۱۱</sup>

۹. ناسور: باسور E B  
 ۱۰. اسپندا: او سپند B (FE نداشت)  
 ۱۱. گند دهن... دارد: تریهای معده را زایل کند B

۵. نرمی: تر B نرم E  
 ۶. درجه دوم: دوم درجه B  
 ۷. کند: + و گرم کند B  
 ۸. سوده و را: - B

۱. باشد و + اگر آتش را B  
 ۲. تشنگی: E B: بستگی A  
 ۳. بود: + و انجیر سپید بهتر باشد E B  
 ۴. تر: F E B: نرم A

به تازی	بپارسی	حرف بی از کتاب دوم در غذاها و داروهای مفرد شمارش «نو» طبع و منفعت غذای مفرد و داروهای مفرد از گفتار بزرگان <A۲۷۵>
بادوزنج	بادبوزنج	جالینوس گوید که او گرم و خشکست به درجه نخستین، پی‌ها را قوی کند و بیماری‌های سودایی [را سود دارد و اگر] تخم‌های کرفس کوفته را به اندکی آب بجوشانند <sup>۲</sup> و به انگبین برسد و بر بناگوش طلی کند درد شقیقه را سود دارد.
پاک	بادآورد	مسیح گوید که او سرد و خشکست به درجه نخستین معده را از صفرای تیز پاک کند و اندام‌ها را قوی کند و [گرمی‌ها را] <sup>۳</sup> دور کند و قولنج و تب‌ها را سود دارد و داء‌الثعلب و داء‌الحیه را منفعت کند و احشا قوی کند و گرم مزاج را نیک بود.
فتله	بادزند	حنین گوید که او گرم و خشکست به درجه سیم تب‌ها را سود دارد و جذام و پیسی و بهق را ببرد و تن را قوی کند و معده را از خلط‌های بد پاک کند خاصه که به انگبین بکار دارد و همه بیماری‌های سرد <sup>۴</sup> را سود دارد و بلغم ببرد. <sup>۶</sup>
بان	بان	اسحق گوید گرمست به سیم درجه، خشکست [به دوم درجه] <sup>۶</sup> بستگی‌های جگر را بگشاید و برخاستگی سپرز را سود دارد و چون دو درم با سرکه بکار دارد منفعت کند و اگر یک مثقال از دانه‌اش با انگبین خورد بلغم را از اندام‌ها فرود آرد.
بادروغ	بادوگ	یوحنا گوید گرمست به دوم درجه خشکست به درجه اول <sup>۹</sup> . صفرانگیزد و چون از وی بسیار خورند تاریکی چشم آرد و چون با سرکه بکار دارند معده را نیرو دهد و کوبه دل را سود دارد و منش گشتن را بنشانند اما تاریکی چشم آرد.
بادرنجبویه	بادرنبویه	یوحنا گوید گرمست به دوم درجه و خشکست به دوم درجه. سودا را از اندام‌ها فرو آرد و شادی دل افزایش دهد و اندوه و غم از دل ببرد و تن را فربه کند و بادها را بشکند و خفقان را زایل کند <sup>۱۰</sup> و زردی گونه را ببرد و دیوانگی دفع کند.
رازانج	بادبیکان	عیسی گوید که او گرمست به دوم درجه، خشکست به درجه اول. بستگی اندام‌ها را بگشاید و چون با آب رازانج بکار دارند درد جگر را که از سردی بود سود دارد و استسقا را نیک بود و اگر آبش در چشم چکانند تاریکی چشم را نیک بود.
فانیله	فانیله	ماسرجویه گوید که گرم و ترست به درجه اول شکم نرم کند و سرفه را که از بلغم بود سود دارد و سینه را از بلغم سطر پاک کند و بادها را از اندام‌ها تحلیل کند و آنچه به دو درجه گرم و تر بود آن شکر بود. <sup>۱۱</sup>
کوارع <sup>۱۲</sup>	بایچیه	ابوجریح گوید او معتدلست و غذا کم دهد اما خون انگیزد و تب‌ها را و خون آمدن را از شکم پاک کند و باسور را سود دارد و کسی را که به غذای بسیار حاجت نباشد نیک باشد و چون پیوسته خورد استخوان شکسته در اندام پیبوند.

۱. را سود دارد و اگر E B: (A افتاده است)  
 ۲. تخم‌های... بجوشانند: تخم‌ها را کوفته به اندکی آب بجوشانند  
 ۳. گرمی‌ها را E B: A -  
 ۴. خلط‌های: آمیزش‌های E B  
 ۵. سرد: مرد B  
 ۶. بلغم ببرد: بادها را تحلیل کند B  
 ۷. به دوم درجه B: A -  
 ۸. بادروغ: (در حاشیه A آمده است: شاه تره را گوید.)  
 ۹. گرمست... اول: که او گرم و خشکست به درجه نخستین B که او گرم و خشک است به دوم درجه E  
 ۱۰. بشکند... کند: از معده بر کند و کوبه دل را سود دارد  
 ۱۱. آنچه... شکر بود: و فانیله آنچه شکر بود گرم و ترست به دوم درجه قوت بیشتر دارد E B  
 ۱۲. کوارع: لوارع A کراع F E B

محمد زکریا گوید که بادام شیرین، معتدلتن را فربه کند و از معده دیر گوارد و بر سر معده بماند <sup>۱</sup> و علاج به شکر طبرزد <sup>۲</sup> بود و اما بادام تلخ گرم و خشکست به دوم درجه بادها را از تن تحلیل کند و سرد مزاج را سود دارد. <sup>۳</sup>	بادام	لسوز
عیسی گوید که او گرم است به درجه اول، خشکست به دوم درجه، بلغم‌های سطر را از معده فرو دارد و گرمی‌ها در اشکم <sup>۴</sup> بکشد و آبتاختن براند و درد بندهای تن را [که] از بلغم بود سود دارد و مغز را نیرو دهد و اندامها پاک کند.	تنرا کابلی	برنج کابلی
اسحق گوید که او معتدلتن را سود دارد و سنگ مثانه را پاره پاره کند. بر و سینه را از آمیزش‌های بلغمی پاک کند و شهوت جماع <sup>۵</sup> را قوت دهد و درد سپرز را سود دارد و آبتاختن را براند و مثانه پاک کند.	پرسپوشان	پرسپوشان
یوحنا گوید که او گرم و خشکست به دوم درجه بریان کرده وی معده را قوی کند و پیوسته قی می‌کند نیک باشد <sup>۶</sup> اما سرد و چشم را زیان دارد و بیماری‌های سودایی انگیزد و درد چشم آرد و چون به سر که پخته باشد چشم‌ها را زیان کمتر کند.	بادنجان	بادنجان
حنین گوید که او سردست به درجه اول خشکست به دوم درجه. سودا انگیزد و خواب‌های بد نماید و شکم ببندد و خاصه که با پوست بود و چون بی‌پوست خورند، بر و سینه را نرم کند خاصه که روغن بادام خورند و شیره خشخاش. <sup>۱۰</sup>	باقلا	باقلا
مسیح گوید که او گرم و خشکست به درجه اول معده را قوی کند و بستگی‌های جگر بگشاید و اگر آبش را با فلوس خیار چنبر به ناشتا بخورد یرقان را سود دارد و چون قلیه کند و بخورد شکم را ببندد و خون شکم را زایل کند. <sup>۱۳</sup> <A۲۷۶>	برش	برش
تیاذوق <sup>۱۴</sup> گوید که او سرد و ترست به دوم درجه. گرمی جگر را بنشانند و تب‌های گرم را سود دارد و بستگی‌های جگر را بنشانند و برخاستگی سپرز را نیک بود و بیماری‌های صفرائی را زایل کند خاصه که آب تخمش با سنگ‌گین خورد.	پیلین	بقلم الحما
اسحق گوید که او گرم <sup>۱۵</sup> و خشکست به درجه اول. شکم نرم کند و معده و جگر را نیک بود. خداوندان گرمی را چون با سرکه و ترف خورند نیک بود و خداوندان سردی را با سپیدابها <sup>۱۶</sup> بهتر باشد و ضمادش جگر را نیک بود.	سرگشت	قناب
محمد زکریا گوید که او گرم و خشکست به چهارم درجه. سودا و <sup>۱۷</sup> بلغم را از اندامها فرو دارد و چون با خایه نیم برشت دانگی سنگی از وی کوفته بکار [دارد] <sup>۱۸</sup> و استسقا و عرق النساء و سستی اندامها را نیک باشد و همه بیماری‌های سرد را نیک بود.	پسپوش	خرنوب

۱۳. خون... کند: و دوسنطار یا را نیک بود B E

۱۴. تیاذوق: تیاذق B

۱۵. گرم B: نرم A

۱۶. سپیدابها: شوربا E B

۱۷. سودا و B: سود دارد او A

۱۸. دارد B: - A

۷. بادنجان: بادنجان (B) F E (محو است)

۸. معده را... باشد: معده را که طعام باز ندارد و پیوسته

قی کند نیک باشد B

۹. باقلا: باقلی B

۱۰. و شیره خشخاش: - E B

۱۱. برش B: برمس A برمش E

۱۲. کثوث E: کثوف؟ A

۱. تن را... بماند: سینه را نرم دارد و سرفه را زایل کند

اما دیر گوارد B

۲. طبرزد: + پانید B

۳. سرد... دارد: خداوندان سردی را نیک باشد B

۴. اشکم: + شکم ۱۲۱

۵. که B: - A

۶. جماع: و جماع B

جالینوس گوید که او گرم است به درجه دوم خشکست به درجه اول. اگر دو درم از وی بایک درم زیره بکار برسد و هر دو را خرد کرده <sup>۲</sup> بخورد بلغم‌های سرد را از تن فرو دارد و گرم در شکم بکشد و معده را پیوسته <sup>۳</sup> پاک کند.	برنجاسب	برنگ اسب
اسحق گوید که او سردست به دوم درجه، خشکست به درجه اول، اگر بیست درم از آتش بایک درم آب اکلیل‌الملک بیامیزد و باری چند با سنگ‌گین بخورد آماس جگر و معده را سود دارد و درد سپرز را منفعت کند و سودا را زایل کند. <sup>۵</sup>	عصار الریحی	پرسیان دارو
حنین گوید که برگش <sup>۶</sup> سرد و خشکست شکم را ببندد و ریش‌های روده را سود دارد و اندام‌ها را قوی کند و خون آمدن از شکم باز دارد و زحیر [را] <sup>۷</sup> نیک بود و تن را فربه کند. چون به ناشتا بکار دارد و گرده را نیرو دهد.	فکرط	بنفشه
عیسی گوید که گرمست به دوم درجه. جگر <sup>۹</sup> را قوی کند و بادها را تحلیل کند و سستی اندام‌ها و درد بندها را که از سردی بود سود دارد خاصه که با روغن بان اندام‌ها را نیک بمالد و بادها را تحلیل کند و سود دارد. <sup>۱۰</sup>	سفایج	سپایه
حنین گوید که او سردست به درجه اول، خشکست به دوم درجه. اگر یک درم از وی خرد بگوید و به ناشتا بخورد خون بر آوردن از گلو [را] <sup>۱۱</sup> سود دارد و ریش‌های معده و روده را درست کند و شکم <sup>۱۲</sup> را به غایت منفعت دارد.	عربجان	سبب
محمد زکریا گوید که پست به طبع آن چیز بود که از وی کنند. پست گندم گرم و نرم بود، پست جو سرد و خشک باشد. هر دو باد انگیزد و از معده دیر فرو راند. علاج هر دو آن باشد که با شکر یا <sup>۱۳</sup> به انگبین خورند تا باد نه انگیزد.	سفتی	سخت
بقراط گوید که او گرمست به دوم درجه، ترست به درجه نخستین. درد پشت را کز سردی بود سود دارد و نیک باشد. بستگی‌های جگر را بگشاید و آب پشت افزایشد و خون را قوت دهد و معده [سرد] <sup>۱۴</sup> را نیک بود و گرده را گرم کند.	فستوی	سسته
عیسی گوید که او گرم و خشکست به دوم درجه، معده را از آمیزش‌های سردی پاک کند و فالج و لقوه را و سستی اندام‌ها را سود دارد و شهوت و جماع انگیزد و معده را و احشار <sup>۱۵</sup> را گرم کند و اندام‌ها را قوی دارد. چون یک مثقال به ناشتا بکار دارد و نیک بود.	سباسب	سباسب
ابوجریح گوید او سرد و خشکست به دوم درجه و بهترش آنست که در سایه خشک کرده باشد معده و روده‌ها را از آمیزش‌های بد پاک کند و چون دو درم سنگ از وی بکار دارند و ریش‌ها را نیک بود و چون کوفته‌اش را به ریش‌ها پراکنند <sup>۱۸</sup> [سود دارد]	صالح	بوستان افروز

۱۴. سرد E B - A	۷. B - A	۱. برنگ: برنجاسب B برنجاست E (در حاشیه B نوشته شده است «قیصوم»)
۱۵. واحشا: A	۸. بسپایه E B: سفایج A	۲. خرد کرده: کوفته B
۱۶. حماحم FEB: بستان افروز A	۹. جگر: معده و جگر E B	۳. پیوسته: از طعام‌های بد B
۱۷. ابوجریح... پراکنند BEF: (در A به جای این بخش توضیحات مربوط به بقم آورده شده است)	۱۰. تحلیل... دارد: که اندر روده باشد نیک بود B	۴. پرسیان دارو: برسیا دارو E
۱۸. سود دارد E - FB	۱۱. A - B	۵. سودا... کند: E B
	۱۲. شکم: کندن شکم E B	۶. برگش: بلکش E B
	۱۳. شکر یا E B: شکم A	



ماسر جویه گوید که او گرم و خشکست به دوم درجه خارش تن و گر و دمیدگی‌ها را سود دارد و خاصه که این علت‌ها از صفرا باشد چون وی را کوفته و بیخته به آب بادیان یا به آب کرفس بیامیزند و بر اندام‌ها برای خارش تن بمالند نیک بود. <sup>۱</sup>		
عیسی گوید که او سرد و خشکست به دوم درجه شکم ببندد و ریش‌های روده را سود دارد و اگر بر گش خرد بکوبند و بر ریشی اندام پیرا کنند منفعت دارد و تری‌های معده را برچیند و آب رفتن از دهان باز دارد و پخته‌اش زحیر را نیک بود. <sup>۲</sup>		
مسیح گوید که او گرم و خشکست به چهارم درجه، دل زیرک کند و فالج و لقوه و سستی اندام‌ها را سود دارد و زردی روی را ببرد و فراموشی را نیک بود و تن را از آمیزش‌های سرد پاک کند و اندام قوی دارد و [را] نیک منفعت بود. <A۲۷۷>		
یوحنا گوید که او سردست و خشکست به سیم درجه، معده را قوی کند و بلغم غلیظ از اندام‌ها فرو آورد و خلط‌های فاسد از معده پاک کند و درد روده و معده را زایل کند و سستی اندام‌ها که از گرمی بود سود دارد و جگر گرم را نیک بود.		
تیاذوق گوید که او سرد <sup>۳</sup> و خشکست به دوم درجه بن دندان‌ها را سخت کند و آماس‌های گرم را سود دارد و جگر <sup>۴</sup> را قوی کند و ریش‌های دهن را نیک بود و بوی دهان خوش کند و آب رفتن از وی باز دارد و چون پیوسته در دهن دارد نیک بود.		
جالینوس گوید که او گرم و خشکست به چهارم درجه، فالج و سستی و لرزیدن اندام‌ها <sup>۵</sup> را سود دارد و فراموشی را نیک بود و معده را از خلط‌های سرد و بد پاک کند و گر کوفته‌اش را با زرده خایه بخورد منفعت دارد و به‌غایت نیک بود و این آزموده است.		
اسحق گوید که او گرم و خشکست به دوم درجه، عرق النساء و صرع و سرگشتن را سود دارد معده و جگر را از آمیزش‌های بلغم [و] سودا پاک کند و آبتاختن را براند و روغنش بیماری‌های سرد را سود دارد و نیز آماس‌های سرد زایل [کند] و نیک بود.		
مسیح گوید که او گرم و خشکست به سیم <sup>۶</sup> درجه، نشاط دل که فزاید و معده را قوی کند و بوی دهان خوش دارد و بستگی‌های جگر و سپرز و مغز را بگشاید و کوبه دل را که از سردی بود سود دارد و باسور را نیک بود و سستی دل <sup>۷</sup> را سود دارد.		
خوزی گوید که او خیار بادرنگ هندی بود و گروهی از پزشکان گویند که او نوعی از دانه‌ها باشد به طبع گرم و خشکست به سیم درجه، فالج و لقوه و بیماری‌هایی که از سردی باشد سود دارد و اندام‌های سست را قوی کند. شکم ببندد و قبض آورد. <sup>۸</sup>		

۹. سیم: دوم B  
۱۰. دل FEB: صف(۵) A  
۱۱. شکم... آرد: - EB

۴. معده: مقعد FEB  
۵. زایل FEB: پاک A  
۶. سرد: گرم B  
۷. جگر: معده FEB  
۸. اندام‌ها: اندام‌های سرد B

۱. ماسر جویه... نیک بود FEB (در A توضیحات مربوط به بلوط آورده شده است).  
۲. عیسی گوید... نیک بود FEB (در A توضیحات بقم آورده شده است).  
۳. A - B: A

جالینوس گوید که او گرم و خشکست. علت‌های سودایی و بلغمی را سود دارد و چون با داروهای مسهل بکار دارند و اگر با تخم بادیان خرد بکوبد و با سکنگبین بکار دارد درد سپرز را سود دارد و ضمادش آماس‌های سرد را نیک باشد.		
ماسر جویه گوید که او سردست به درجه اول، ترست به دوم درجه. اگر سه درم‌سنگ با شکر سپید بکار برند صفرا را از معده فرو دارد و روده را از آمیزش‌های بد پاک کند و بویش درد سر را [کن] گرمی بود سود دارد و صفرا از وی برد. <sup>۳</sup>		
یوحنا گوید که او گرمست به درجه نخستین خشکست به دوم درجه. بستگی‌های جگر و سپرز را بگشاید و علت استسقا را سود دارد و اگر دو درم‌سنگ بکوبند و به انگبین بکار برند مار گزیده را نیک بود و افعی گزیده [را] هم نیک بود.		
اسحق گوید که پنیر سرد و ترست به دوم درجه اما بدگوار بود. آرزوی طعام را ببرد و خداوندان سردی را زیان دارد علاجش آنست که (او را) <sup>۶</sup> به انگبین خورد و پنیر خشک، گرم و خشکست طعام را بگدازد <sup>۷</sup> اما گر و خارش آرد و سوزش. <sup>۸</sup>		
عیسی گوید که او گرم و خشکست به دوم درجه. دل را قوی کند و سودا را و بلغم را از اندام‌ها فرو دارد و بهمن سرخ درد سپرز را سود دارد و پیسی و بهق را ببرد و چون دو درم‌سنگ کوفته وی را به انگبین بکار دارد بلغم‌های فاسد را سود دارد.		
محمد زکریا گوید که او گرم و خشکست به درجه اول. شکوفه‌اش بادهای سطر را از سر و مغز بیرون کند چون پیوسته وی را همی بوید و اگر سه درم‌سنگ شکوفه‌اش به انگبین بیامیزد و بکار دارد سودا و بلغم را از معده پاک کند.		
بقراط <sup>۹</sup> گوید که او گرم و خشکست به دوم درجه. گرم‌ها را در شکم بکشد <sup>۱۰</sup> چون یک درم‌سنگ کوفته او با انگبین بیامیزد و بخورد و اگر یک مثقال با سکنگبین بکار دارد سودا و بلغم را از معده پاک گرداند و قوت طبیعت دهد و جوشش دهد. <sup>۱۱</sup>		
مسیح گوید که بوره ارمنی به رومی نظرون خوانند. او به طبع گرم و خشکست به سیم <sup>۱۲</sup> درجه. اگر وی را خرد بکوبند و به روغن گل بسرشند و بر ناصور <sup>۱۳</sup> و باسور نهد نیک بود و اگر با داروهای فالج وی را بیامیزد و بکار دارد نیک بود.		
عیسی <sup>۱۴</sup> گوید که او گرم و خشکست به سیم درجه. آبش برقان و تنگی نفس را سود دارد چون از وی به ناشتا بخورد گرم‌ها را بکشد <sup>۱۵</sup> و اگر باری چند بخورد بستگی‌های جگر را بگشاید و نیک باشد. <A۲۷۸>		

۱. بناسب E: بناسب A بناسب B	۸. گر... سوزش: گر و خارش تن را پدید آرد (+) و
۲. کن: A - B:	۱۰. بقرط: عیسی E B
۳. و صفرا... برد: و مغز را نیز و دهد E B	۱۱. بقرط: عیسی E B
۴. فنجنکشت B: فلنج انگشت A خمسة الاصابع E خمسة الاصابع F	۱۲. گرم‌ها... بکشد B: گرمی‌ها را بکشد F E A
۵. A - B:	۱۳. و قوت... دهد: E B -
۶. او را B: A -	۱۴. سیم: سوم B
۷. بگدازد: بگوارد B هضم کند FE	

بوئن در بندگی <sup>۱</sup>	بوئن در بندگی	ار جیحانس گوید که او به طبع سردست آماس‌های <sup>۲</sup> گرم و دمیدگی‌های صفرایی <sup>۳</sup> را سود دارد چون به گلاب و سرکه وی را بسایند و بر آماس‌ها طلی کنند و اگر به گلاب بسایند <sup>۴</sup> و بر بناگوش مانند درد سر را کز گرمی بود سود دارد و گرمی‌ها از شکم فرو دارد. <sup>۵</sup>
بوئزندان	بوئزندان	جالینوس گوید که او گرم و خشکست به درجه دوم. بستگی‌های جگر را سود دارد و سپرز را بگشاید و استسقا را نیک کند و سستی بندهای اندام را منفعت دارد و شهوت طعام افزایش دهد و آب پشت زیادت کند. <sup>۶</sup>
بوئشکان <sup>۷</sup>	بوئشکان	محمد زکریا گوید که او گرم و خشکست به درجه دوم. کوبه دل را و تنگی نفس را سود دارد چون از سردی باشد و بادهای سطر را از اندام‌ها تحلیل کند. بیماری‌های سرد را نیک بود خاصه که به ناشتا بکار دارد و بر و سینه را نیک بود.
پیز	پیز	روفس گوید به طبع گرم و تر است <sup>۸</sup> معده را گران کند. علاجش <sup>۹</sup> آنست که او را بانمک و ابزارهای گرم بخورند و به پیه خوردن بسیار بلغم بلایه <sup>۱۰</sup> خیزد و اندر روده کرم کدو دانه پدید آرد صلاحش آنست که قی کند و شکم براند. <sup>۱۱</sup>
پیا	صلوف	حنین گوید که او سرد و ترست اگر بیست در مسنگ از آبش بخورند بستگی‌های جگر را بگشاید یرقان را سود دارد و گرمی‌های تن را بنشانند و اگر به آبش اندام‌ها را در گرمابه <sup>۱۲</sup> بشوید تن را خنک <sup>۱۳</sup> کند و سرخیچه را سود دارد و آب برگش تن را خنک کند. <sup>۱۴</sup>
پیدانجیر	ضوف	اسحق گوید گرم و خشکست به دوم <sup>۱۵</sup> درجه فالج، و لقوه را و بیماری‌هایی که از سردی بود همه را سود دارد و اگر بر آماس سرد بمالند نیک بود و اگر وی را خرد کند و به انگبین بیامیزند و بکار دارند خوک را که بر گردن بود به غایت نافع باشد.
پیل زهره	فیل زهره	ابوجریح گوید که پیل زهره، درخت حضض باشد او به طبع معتدل باشد و اگر برگش با سرکه پیزند و بکار دارند یرقان را سود دارد و اگر برگش خرد بکوبند و به گلاب بسرشند و بر ناخن خوار نهند سخت نیک بود و آماس‌ها را سود دارد.
پیلان	جبال	فولس گوید که او گرمست به چهارم درجه، ترست به سیم درجه. درد سر انگیزد و بستگی کند خاصه که وی را خام خورند و اگر پخته خورند آب پشت افزایش دهد و آب‌های مختلف خورده را نیک افزایش دهد <sup>۱۶</sup> و آبش اگر در چشم کشند شب کوری ببرد.
پیلان معوث	بصل القار	اسحق گوید که او گرم و خشکست به سیم درجه بادهای سرد را از تن تحلیل کند و کولنج <sup>۱۷</sup> را بگشاید و درد پشت را کز سردی بود سود دارد و طعام‌های سطر را در معده لطیف کند و خداوندان سرد مزاج را سود دارد چون بخورد.

۱۳. خنک FEB: خشک A  
 ۱۴. آب برگش... کند: آب خنک بود A  
 ۱۵. دوم: سوم B نخستین FE  
 ۱۶. افزایش: بود FB  
 ۱۷. کولنج: قونج FEB

آرد و معده را از بلغم پاک کند B  
 ۷. بوئشکان: برشکان FE  
 ۸. گرم و تر است FEB: گرمست بر A  
 ۹. علاجش: صلاحش B  
 ۱۰. بلایه B: بلایه A  
 ۱۱. براند: + و داروهای گرم کدو خورد. B  
 ۱۲. در گرمابه: - B

۱. بوئن در بندگی: معروف FE  
 ۲. آماس‌های: خط‌های FEB  
 ۳. صفرایی FEB: صفر A  
 ۴. ... بسایند: FE -  
 ۵. و گرمی‌ها... دارد: و اگر بر آماس‌ها طلی کنند نیک بود و منفعت دارد. FE  
 ۶. زیادت کند: + و گرمی‌ها FEB را از شکم فرود

عمر و میتواند	عیسی گوید که او گرم و خشکست به دوم درجه شکم را ببندد و معده را گرم کند و شهوت طعام آرد و اگر خردش بکوبند و با مرهمها بیامیزد و <sup>۲</sup> بر آماس خوک ضماد کند نیک بود و نیز آماسهای بلغمی را سود دارد و بادها را <sup>۳</sup> تحلیل کند.
بیشوشک	حنین گوید که او گرم و خشکست به غایت و او از داروهای زهرناکست و نشاید خوردن مگر با هلیله زرد و بادآورد و دیگر داروهای نیم دانگ از وی بیامیزد از بهر جذام که به قوت شده باشد و چون کسی خورده بود علاج نپذیرد.

۴. بیشوشک: بیش FB

۱. محروث: (در حاشیه این واژه، در A آمده است: ۲. خردش... بیامیزد و: کوفته‌اش را B  
۳. بادها را: + از معده و روده B  
اشترغاز)